

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

AP

«نه» چین به آمریکا درباره نفت ایران

شاید مقامات آمریکا و چین نتوانند بسیاری از اختلافات‌شان را حل کنند تا به توافقی تجاری برسند و از تعرفه‌های مجازاتی پرهیز کنند، اما همچنان در یک مسئله‌فاصله‌دارند: درخواست آمریکا از چین برای توقف خرید نفت از ایران و روسیه. وزارت خارجه چین بعد از دو روز مذاکرات تجاری در استکهلم در ایکس و در پاسخ به تهدید تعرفه ۱۰۰ درصدی از سوی آمریکا نوشت: «چین همواره تأمین انرژی خود را به شکلی که در خدمت منافع مالی ما باشد، تضمین خواهد کرد. اجبار و فشار به جایی نمی‌رسد. چین قاطعانه از منافع توسعه‌ای، امنیتی و حاکمیت ملی خود دفاع خواهد کرد.» این پاسخ در شرایطی داده شده که هم یکن و هم واشنگتن نشانه‌هایی از خوش‌بینی و حسن‌نیت درباره رسیدن به توافق فرستاده‌اند و این قابل توجه است. چین واکنشی تأکیدی است بر اطمینان چین از این که در مواجهه با دولت ترامپ، محکم بازی کند، به‌خصوص وقتی تجارت به سیاست‌های انرژی و سیاست خارجی اش مربوط باشد. اسکاوت بسنت، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده بعد از گفت‌وگوها به خبرنگاران گفت وقتی پای خرید نفت از روسیه در میان است، «چینی‌ها حاکمیت ملی‌شان را بسیار جدی می‌گیرند.» او تصریح کرد: «مانعی خواهیم پا روی حاکمیت ملی‌شان بگذاریم، بنابراین آن‌ها می‌خواهند تعرفه ۱۰۰ درصدی بپردازند.» او پنج‌شنبه چینی‌ها را مذاکره‌کنندگانی «محکم» خواند اما گفت فشار متقابل چین مذاکرات را دچار توقف نکرده است: «فکر می‌کنم شرایط توافق را داریم.»

گابریل ویلداو، مدیر مرکز مشاوره تنشوی گوید شک دارد که رئیس‌جمهور دونالد ترامپ واقعاً تعرفه ۱۰۰ درصدی را اعمال کند. «او می‌گوید «تحقق بخشیدن به این تهدیدات همه پیشرفت‌های اخیر در گفت‌وگوها را از مسیر خارج می‌کند و احتمالاً هر گونه فرصت» برای ترامپ و شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین را برای اعلام توافق در صورت ملاقات در پاییز پیش رو را «از بین می‌برد.» ایالات متحده در تلاش برای محدودکردن فروش نفت روسیه و ایران، به‌عنوان منبع درآمد عمده‌ای برای هر دو کشور، می‌خواهد بودجه در دسترس برای ارتش هایشان را کاهش دهد. وقتی ترامپ برنامه وسیع‌اش برای اعمال تعرفه روی ده‌ها کشور را اعلام کرد، چین تنها کشوری بود که تلافی کرد و حاضر نشد در مقابل فشار ایالات متحده کوتاه بیاید. توشین کوان، مدیر مؤسسه مطالعات دیپلماتی اوی چین در دانشگاه بین‌المللی اقتصاد و تجارت در چین می‌گوید: «اگر ایالات متحده برای اعمال تعریف مصمم باشد، چین تا آخر کار مبارزه خواهد کرد و این موضع رسمی و ثابت چین بوده است.» «تو» می‌گوید، جدای از تاکتیک مذاکراتی، ممکن است چین گمان کرده باشد که ایالات متحده تهدیدش را عملی نخواهد کرد.

اسکاوت کندی، مشاور ارشد حوزه اقتصاد و تجارت چین در مرکز مطالعات بین‌المللی و راهبردی در واشنگتن، می‌گوید پکن در سیاست خارجی آمریکا در قبال روسیه و ایران، بی‌ثباتی می‌بیند، در حالی که سیاست پکن در حمایت از روسیه ثابت و واضح است. از نظر او وقتی چین چنین می‌بیند، بعید است موضعش را تغییر دهد. این امکان هم هست که پکن بخواهد از این موضوع به‌عنوان ابزار مذاکراتی دیگری استفاده کند تا امتیازات بیشتری از ترامپ بگیرد. دنی راسل، کارشناس مؤسسه سیاسی جامعه آسیا می‌گوید پکن حالا خود را در جایگاه طرفی می‌بیند که «در کلنجارش با واشنگتن، برکته‌ها را در دست دارد.» او می‌گوید ترامپ مشخص کرده می‌خواهد با شی به توافقی برسد که «توجه تیرها را به خود جلب کند، بنابراین رد خواسته ایالات متحده برای توقف خرید نفت از ایران یا روسیه، احتمالاً برهم‌زننده توافق دیده نشوند، حتی اگر اصطکاک و تأخیر ایجاد کند.» او اضافه کرد: «چین اساساً نمی‌تواند از نفت روسیه و ایران بگذرد. برای راهبرد تأمین انرژی‌اش بیش از حد مهم است و پکن دارد این نفت‌ها را به قیمت حراج فوری می‌خرد.» گزارش‌های در سال ۲۰۲۴، از اداره اطلاعات انرژی ایالات متحده تخمین زد که حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد نفت صادراتی ایران به چین رفته. اقتصاد چین از بیش از ۱ میلیون بشکه نفت در روز به ایران می‌خرد، بهره‌مند است. بعد از حمله آمریکا به ایران، وقتی پارلمان ایران از برنامه‌ای برای بستن تنگه هرمز حرف زد، چین علیه بستن این مسیر کلیدی ترانزیت موضع گرفت.

دیپلماسی

DIPLOMACY



نقطه عطف یا تداوم چرخه بحران؟ چشم‌انداز منطقه از نظرگاه کارشناس مؤسسه خاورمیانه



گتتی‌ایم‌جی: Gettyimages

نتانیاهو می‌تواند همچنان از ظرفیت‌های نظامی اسرائیل استفاده کند تا هر گونه گفت‌وگو را پیچیده کند؛ به‌علاوه، او از قدرت سیاسی اسرائیل در واشنگتن هم استفاده خواهد کرد تا فشار را بر ترامپ حفظ کند و او را قانع کند که فقط به توافقی با خواسته‌های حداکثری رضایت دهد.

همه این‌ها یعنی به نظر می‌رسد توافق بین ایالات متحده و ایران در این مقطع بعید است. ترامپ نشانه‌های این وضعیت را می‌بیند و این را هم گفته که بعد از حمله به ایران، او دیگر نیازی به توافق ندارد. این یعنی آتش زیر خاکستر تقابل ایران و اسرائیل همچنان می‌ماند و خطر تشدید تنش در هر لحظه همچنان برقرار است. فعلاً، به نظر می‌رسد نتانیاهو به ترامپ فرصتی داده تا او بتواند در میانه پایگاه رأی خود به تبعات سیاسی درگیرکردن آمریکا در جنگ دیگری در خاورمیانه رسیدگی کند. خود اسرائیل هم فعلاً پیش از برنامه‌ریزی برای گام‌بدهش، مشغول ارزیابی اثرات حملات به ایران است.

بین آرامش و آتش

بدون توافق، ایران می‌تواند به تمديد دوران آرامش اميدوار باشد، يا نوعی آتش‌بس دوفلکته که در آن هیچ حرکت قابل‌توجهی برای بازسازی برنامه هسته‌ای یا حرکت به سمت تسلیحاتی‌سازی نکند و نیابتی‌هایش را هم از حملات جدی به اسرائیل یا ایالات متحده دور نگه دارد. در این سناریو، ایران، بعد از مشکلات اخیر، صرفاً از هر آسیب‌دیگری جلوگیری می‌کند و زمان می‌خرد تا بازبایی کند و مسیر ادامه راه را بیابد. ترامپ شاید با این مشکلی نداشته باشد و با گذر از این موضوع به سراغ موضوعات متعدد دیگری برود که در دستور کار شلوغ و آشفته‌اش هستند؛ اما نتانیاهو راضی نخواهد بود. اومی‌داند که اسرائیل فعلاً موقعیت تعیین‌کننده و شاید موقتی نسبت به ایران دارد. ترامپ مشتاق بود که روبانی با عنوان «۱۲ روزه» روی جنگی ببندد که اسرائیل آغازیده بود، اما نتانیاهو جنگ ماه گذشته را صرفاً شروع ماجرا می‌بیند و شروعی موفق. او شاید چند هفته یا چند ماه دیگر صبور باشد اما منطق راهبردی اومی‌گوید در آینده نه‌چندان دور به اقدام نظامی مستقیم علیه ایران بازگردد.

محور منطقه‌ای، تضعیف‌شده اما ماندگار

وقتی پای نفوذ منطقه‌ای ایران در میان باشد، محور مقاومت ضربه خورده اما پایر جاست. کارکرد اصلی شبکه نیابتی به رهبری تهران، به‌عنوان بازدارنده در مقابل حملات مستقیم اسرائیل و ایالات متحده تخریب شده و احتمالاً بازسازی نشود اما توانایی‌اش برای آزار اسرائیل و آمریکا و به صورت بالقوه دیگر دوستان و متحدان ایالات متحده همچنان برقرار است. حتی در این وضعیت آسیب‌دیده، حماس به عنوان عضو محور تقریباً دو سال است اسرائیل را درگیر جنگ نگه داشته و احتمالاً سال سوم را هم داشته باشد. حوثی‌ها در یمن توانسته‌اند با کاهش قابل‌توجه رفت‌وآمد دریایی از مسیر کلیدی دریای سرخ، به منافع اسرائیل و آمریکا آسیب‌بزنند و به نظر می‌رسد بتوانند این را نامحدود ادامه دهند، علی‌رغم تلاش‌های متعدد نظامی آمریکا و اسرائیل برای متوقف کردن‌شان. در لبنان، حزب الله هنوز در صحنه است. علی‌رغم ضرباتی که خورده و پذیرش عقب‌نشینی از جنوب لیبانی، هنوز خلع سلاح در باقی کشور را نپذیرفته و در همان جنوب لیبانی و نیز در جامعه شیعه، همچنان حزب مسلط سیاسی است. ایران هم به آن نگاه بلندمدت دارد. در سوریه نیز روند «گذار» قطعیتی ندارد. نفوذ ایران در عراق در جنگ ۱۲ روزه کم نشده است. محور مقاومت ایران از لحاظ اهمیت راهبردی و کرایی تا حدی افت کرده اما احتمالاً همچنان مفید دیده می‌شود و همچنان ارزش ادامه سرمایه‌گذاری دارد، حتی اگر این سرمایه‌گذاری نسبتاً کمتر باشد. در واقع، در شرایط فعلی، ممکن است مقامات تهران کاهش تنش

چشم‌انداز و محدودیت‌های توافق

آنچه شاید ممکن باشد، توافقی است شبیه به آنچه ایران قبل از جنگ ۱۲ روزه پیشنهاد داده بود: غنی‌سازی که بسیار کمتر از سطح پیشین بوده، جدول‌های زمانی جدید و طولانی‌تر و نظارت بین‌المللی جدی‌تر در مقابل رفع تحریم‌ها؛ در مجموع یعنی نسخه نوسازی‌شده‌ای از برنامه جامع اقدام مشترک ۲۰۱۵ یا همان برجام. تیم ترامپ، گفت‌وگوها را مفید خواندند اما نپذیرفته بودند از غنی‌سازی صفر عقب بکشند؛ البته این به ترامپ پیش‌بینی ناپذیر بسته است که تصمیم بگیرد، می‌تواند چنین توافقی «محدودی» را بپذیرد یا نه. پیش از هر چیز، پاسخ مثبت به او اجازه خواهد داد به پایگاه رأی‌اش بگوید، چنان که وعده داده بود، صلح کرده و جنگ با ایران را از روی میز برداشته. با این کار به آرزویش برای جایزه صلح نوبل هم مشروعت بیشتر می‌بخشد. دوم، توانایی ایالات متحده برای مدیریت ریسک هسته‌ای ایران تقویت می‌شود، لاقل برای آینده متصور. از طرف دیگر، برجام ۲ از خواسته‌های حداکثری که تبلیغش را می‌کرده بسیار عقب‌تر خواهد بود. حکم‌فرمایی او بر حزب جمهوری خواه حاکی از این است که هر گونه نارضایتی تندرانه از سمت متحدان داخلی‌اش مهارشده می‌شود.

اعتراضات اسرائیل و منطق راهبردی نتانیاهو

چالش بزرگتر از سمت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل خواهد آمد. او قویاً با چنین توافقی مخالف خواهد بود. از نظرگاه او نسبت به تحولات دو سال گذشته، اسرائیل و آمریکا برتری نظامی راهبردی بر ایران دارند، پس به جای اینکه حلاله توافقی رضایت دهند باید بر این برتری تأکید کنند تا زمانی که ایران امتیازات حداکثری بدهد، شامل غنی‌سازی صفر، محدودیت در موشک‌های بالستیک و شاید برنامه‌های پهنادی و پایان حمایت از شبه‌نظامیان نیابتی در منطقه، یا اینکه به فشار در جهت تخریب ادامه دهند. ترامپ در برخی نوشته‌ها در شبکه‌های اجتماعی در طول جنگ ۱۲ روزه این سناریوی «تسلیم» را در نظر گرفت اما بعد از آن موضع‌گیری‌های متفاوتی داشت که می‌گفت تغییر حکومت در دستور کار او نیست. نتانیاهو می‌تواند واقعاً نگران این باشد که ترامپ بیشتر علاقه دارد توافقی ناکامل حاصل کند و آن را به عنوان «توافق قرن» بیاراید و سپس بگذرد و سراغ موضوعات دیگر برود.

گفت‌وگوهای در جریان و جنگی که به دنبالش آمد

در طول دو ماه گفت‌وگو پیش از شعله‌ورشدن آتش جنگ در ماه ژوئن، ایران و ایالات متحده در حال پیشرفت به سمت توافقی بالقوه بودند. ایران نشان داده بود مایل است به سطوح پایین‌تر غنی‌سازی برگردد و رژیم نظارتی محکم‌تر؛ اما تیم ترامپ همچنان خواستار غنی‌سازی صفر بودند. نکته سرنوشت‌ساز این بود که ایرانی‌ها بی‌صبری ترامپ با تأیید شمار ۶۰ روزه او را جدی نگرفتند. معلوم نیست ترامپ و نتانیاهو از همان جلسه‌شان در ماه فوریه [بهمن ۱۴۰۳] درباره حمله به ایران توافق کرده بودند یا نه؛ اما ترامپ هنوز از ایران می‌خواست توافق کند. به هر حال، نخست‌وزیر اسرائیل سرانجام یک روز بعد از آن حمله کرد که ضرب‌الاجل ۶۰ روزه تمام شده بود. بعد از حضور اسرائیل در آسمان ایران، نتانیاهو حالا خود را بازگیری مهم در مکالمات پس از این میان ایالات متحده و ایران کرده است.

بعد از آسیب حملات، به لحاظ نظری، ایران توافق لازم دارد؛ اما این حملات حساسیت‌های ملی‌گرایانه حکومت تهران را هم تشدید کرده است. شاید امروز توافق برای ایران لازم‌تر باشد اما به لحاظ سیاسی سخت‌تر می‌شده. هر امتیازی که بدهند این طور دیده می‌شود که از موضع ضعف داده شده.

پل سالم، کارشناس ارشد مؤسسه خاورمیانه یا ام‌ای‌آی، پیشتر رئیس همین اندیشکده بوده و نیز معاون امور تعاملات بین‌المللی‌اش. او در زمینه‌های تغییر سیاسی، دموکراسی و حکمرانی، سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی و نیز روابط منطقه‌ای و بین‌المللی در خاورمیانه پژوهش می‌کند. پیش از آمدن به ام‌ای‌آی، او از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳، مدیر بنیانگذار مرکز خاورمیانه بنیاد کارنگی در بیروت لبنان بود. از ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹ به عنوان مدیر بنیاد فارس مشغول بود و پیش از آن هم از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۹، بنیانگذار و رئیس مرکز مطالعات سیاسی لبنان بود که اندیشکده برجسته‌ای در حوزه سیاست‌گذاری عمومی در لبنان است. او چندین کتاب درباره خاورمیانه، بازیگران غیردولتی، نظم منطقه‌ای و مسائل جهان عرب نوشته است. او اخیراً در نوشته مفصلی به بررسی وضعیت فعلی خاورمیانه پرداخته تا بررسی کند آیا بناسست خاورمیانه از این نقطه به سمت و سوی تازه‌ای برود یا روند‌های تنش و بحران در این منطقه ادامه خواهند یافت. در ادامه ترجمه گزیده‌ای از این نوشته را می‌خوانید. انتشار این مطلب البته به معنای تأیید محتوای آن از سوی «هم‌میهن» نیست اما دانستن نظرگاه این تحلیلگر برجسته حتماً برای مخاطبان مفید خواهد بود.

پل سالم

کارشناس ارشد خاورمیانه

بعد از حدود دو سال جنگ در غزه، تخریب حزب‌الله، سقوط رژیم بشار اسد در سوریه و جنگ ۱۲ روزه اسرائیلی آمریکایی علیه ایران، خاورمیانه به لحاظ راهبردی و سیاسی در قلمرو تازه‌ای است. دو مسیر پیش رو هستند: در اولی، تغییرات و منافع حاصل از جنگ با دیپلماسی و مذاکره به ترتیب تازه بین‌المللی و سیاسی تبدیل می‌شوند که دورانی از امنیت و ثبات در منطقه را با خود به همراه می‌آورند. در دومی، چرخشی اتفاق نمی‌افتد و جنگ در غزه، ایران و احتمالاً یمن، سوریه و لبنان، تا اطلاع ثانوی ادامه می‌یابد. مسیری که طی خواهد شد، بسته به انتخاب‌های بازیگران کلیدی است و بیش از همه، ایران، اسرائیل و ایالات متحده.

ایران: آسیب دیده اما تغییر نکرده

ناکامی راهبردی و دوراهی داخلی

مقامات تهران نقش مهمی در این موضوع دارند. محور مقاومت ایران به شکلی قابل توجه عقب رانده شده و بیشتر توانایی ایران برای بازدارندگی یا دفاع در مقابل اقدامات نظامی مستقیم از سوی اسرائیل یا آمریکا به همراهش ضعیف شده. دولت ایران در این شرایط نکات بسیاری برای تأمل دارد. تهران می‌داند که رئیس‌جمهور ترامپ به توافق علاقه‌مند است اما آنچه می‌شنوند، ایالات متحده‌ای است که از موضع فاتح و به عنوان کف خواسته خود، غنی‌سازی صفر مطالبه می‌کند. ممکن است انتظار این را هم داشته باشند که ترامپ محدودیت برنامه موشکی و حمایت‌شان از شبه‌نظامیان نیابتی را هم مثل نامه ماه مارس‌اش به ایت‌الله خامنه‌ای، دوباره روی میز بگذارد. تا اینجا شی کار، ایرانی‌ها تمایل خود را به گفت‌وگو ابزار کرده‌اند اما پیام مبارزه طلبی و بی‌میلی به ارائه امتیازات بزرگ را هم فرستاده‌اند؛ امتیازاتی که حالا برای توافق لازم خواهند بود. حکومت ایران پیش از هر چیز نگران این خواهد بود که دست‌کشیدن از باقیمانده برنامه هسته‌ای آن را در مقابل حمله بعدی اسرائیل و آمریکا آسیب‌پذیرتر کند؛ اما علاوه بر این، نگران این هستند که نشانه تسلیم تقریبی در مقابل «دو شیطان» که جمهوری اسلامی ۴۵ سال گذشته را در اعلام خصومت با آن‌ها گذرانده، ممکن است در صحنه داخلی هم مسئله ایجاد کند.

